

کارکرد اجتماعی اعتقاد به مهدویت

محمود ملک‌یراد*

مجتبی گودرزی**

چکیده

توان‌مندی نظام اجتماعی از دغدغه‌های مهمی است که همواره مورد توجه نظام‌های سیاسی و حکومتی است. عوامل مختلفی می‌توانند در بقا و تداوم، پویایی و توان‌مندی نظام اجتماعی نقش داشته باشند. باور به مهدویت در پویایی و توان‌مندی نظام اجتماعی نقش مهمی می‌تواند داشته باشد و کارکرد در این حوزه از کارکردهای مهم این باور به حساب می‌آید. زیرا باور به مهدویت، می‌تواند مردم را حول محور خود جمع کند و برای تحقق هدفی مشخص، آنان را به صورت یکپارچه در آورد و به آنان هویت واحد دهد و به دنبال آن قدرت اجتماعی را تقویت نماید و ارتباط اجتماعی را تحکیم بخشد و در نتیجه، زمینه‌های امنیت و نظم اجتماعی را فراهم آورد و به تحکیم روابط اجتماعی منجر شود. در این تحقیق، با هدف نشان‌دادن کارکرد باور به مهدویت در ساحت نظام اجتماعی جامعه منتظر و عصر غیبت و تبیین ظرفیت و پتانسیل اندیشه مهدویت در تقویت و تحکیم نظام اجتماعی، بحث و گفت‌وگو شده است. از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، نشان‌دادن ظرفیت اندیشه مهدویت در ساحت‌های نظم، انسجام و همبستگی، امنیت و تحکیم روابط اجتماعی است. از برجسته‌ترین راهکارهای اندیشه مذکور در این حوزه‌ها عبارت است از: تولید و بازخوانی ارزش‌های اخلاقی مشترک، تحکیم باورهای دینی به‌ویژه آموزه امامت، ایجاد ارتباط و پیوند عاطفی در مردم، ایجاد اتحاد و هویت واحد بین اقوام و خرده فرهنگ‌ها و ایجاد اعتماد عمومی که از تقویت ارزش‌ها و پایبندی به قواعد اخلاقی ناشی می‌شود.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، نظم اجتماعی، انسجام، امنیت، روابط اجتماعی.

m.malekirad44@gmail.com

mjtbgoodarzi@gmail.com

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول)

** عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مقدمه

کارکرد، ترجمان واژه «function» است که از ریشه لاتینی «functio» به معنای انجام وظیفه گرفته شده و در زبان فارسی در معانی مختلفی چون: نقش، عمل، خدمت و شغل آمده است (دهخدا، ۱۳۳۶، ج ۳۹: ۱۳۵ و معین، ۱۳۶۴، ج ۳: ۲۸۱۱). در اصطلاح جامعه‌شناسی، وقتی کارکرد به دین نسبت داده شود، مقصود، معنای عام آن است که شامل: «خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیرمقصود دین به جامعه می‌شود که قوام، بقا و تعادل آن را در پی دارد» (اسکیدمور، ۱۳۸۵: ۱۴۲). مراد از «کارکرد» در عنوان یادشده آثار و نتایج اجتماعی اعتقاد به مهدویت است.

نظام اجتماعی عبارت است از: مجموعه نقش‌های اجتماعی متقابل به هم پیوسته که برای تحقق هدفی مشخص برای یک مجموعه با همدیگر پیوند یافته و به صورت یک پارچه در آمده‌اند؛ و در حقیقت به سیستم، ترتیب و نظم یک مجموعه نظر دارد. از دیدگاه جامعه‌شناسان، دین یکی از عوامل مهم تحکیم، تثبیت و بقای نظام اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی، همه ظرفیت‌های لازم برای هدایت و کمال انسان را در بر دارد. در این دین، اندیشه مهدویت از جایگاه مهمی برخوردار است؛ با عنایت به روایات نبوی ﷺ، همه فرق و مذاهب اسلامی به مهدویت باور دارند. مهدویت، نظریه‌ای کامل و جامع برای اداره زندگی بشر است و تفسیری راهبردی از عرصه‌های اساسی حیات بشری ارائه می‌دهد و در باور و نگرش، رفتار و کنش انسان‌ها و ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنها، تحوّل بنیادین ایجاد می‌کند. کارکردهای این اندیشه هم ناظر به زندگی کنونی است و هم ناظر به آینده می‌باشد. این اندیشه در فرهنگ شیعی به علت گره خوردن آن با اعتقاد به امام‌حی، از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و در حوزه‌های فردی و اجتماعی آثار و پیامدهای بسیاری دارد. بیشترین آثار و کارکردهای مهدویت، با بحث «انتظار» گره خورده و دارای ظرفیت‌ها و کارکردهای مطلوب و آثار ملموسی است. «انتظار» به سبب برخوردار بودن از عناصر تأثیرگذاری که در خود دارد؛ در روایات بسیاری مورد تأکید واقع شده و حتی برترین اعمال امت و با فضیلت‌ترین و بهترین عبادات شمرده شده است. در این روایات، انتظار با لفظ «فرج» همراه و قرین شده و این همراهی در حقیقت، بیان‌گر آن است که در انتظار و چشم به راه بودن به فرج و گشایش،

نگاه جامعه و سمت و سوی آن، به تحول و دگرگونی مثبت و سعادت آفرینی - که مایه فرج و گشایش است - می‌باشد. ایده انتظار فرج، ایجاد آمادگی جامعه در حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاقی و تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در پی دارد و سبب می‌شود تا آرمان‌گرایی، نشاط و پویایی، وظیفه‌شناسی و روح امید در افراد زنده شود و جامعه را به تلاش مضاعف وا می‌دارد. این امر موجب می‌گردد تا جامعه منتظر از همه ظرفیت و پتانسیل خود استفاده کرده و خود را برای ایجاد و تحقق جامعه موعود و آرمانی اسلام - که در اندیشه اسلامی از آن به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام یاد می‌شود - آماده نماید. بنابراین، جامعه‌ای که به مهدی موعود علیه السلام معتقد است و در انتظار ظهور او به سر می‌برد، لازم است با کارکردها و آثار اندیشه مهدویت و انتظار آشنا شود و خود را با آنها وفق دهد. یکی از آن آثار، شناخت و تبیین کارکردهای اجتماعی باور به مهدویت است که می‌تواند پیامدهای مفیدی برای جامعه منتظر داشته باشد. آثار و نتایج و کارکردهای اجتماعی اندیشه مهدویت را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

۱. نظم اجتماعی؛ ۲. انسجام و همبستگی اجتماعی؛ ۳. امنیت اجتماعی؛ ۴. تحکیم روابط اجتماعی؛ زیرا باور به این اندیشه، می‌تواند مردم را حول محور خود جمع کند، به آنان هویت واحد بدهد، موجب انسجام و همبستگی اجتماعی گردد، به دنبال آن، نظم اجتماعی را تقویت می‌نماید، موجب تحکیم ارتباط اجتماعی می‌شود و به رشد و بالندگی نظام اجتماعی کمک نماید. بنابراین، ضروری است کارکرد باور به مهدویت در ساحت نظام اجتماعی، حسب سهم و نقشی که در تحکیم و تثبیت نظام اجتماعی دارد؛ به هدف تعالی و ترقی جامعه منتظر، تبیین و تحلیل شود؛ گرچه در تک‌نگاره‌هایی، برخی از کارکردهای سیاسی و اجتماعی مهدویت مورد توجه قرار داده شده است؛ اما باید اقرار نمود که بحث جامع و فراگیری پیرامون «کارکرد اجتماعی اندیشه مهدویت»، صورت نگرفته است. این تحقیق با هدف نشان‌دادن آثار و نتایج اجتماعی اعتقاد به مهدویت در کارآیی نظام اجتماعی جامعه منتظر، با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی و با تکنیک کتابخانه‌ای در صدد پاسخ این سؤال است که: «کارکرد اندیشه مهدویت در ساحت نظام اجتماعی جامعه منتظر چیست و از چه راه‌کارهایی در این زمینه برخوردار است؟» در نوشته پیش‌رو، کارکرد باور به مهدویت در ساحت نظام اجتماعی جامعه منتظر، در چند حوزه: ۱. نظم

اجتماعی، ۲. انسجام و همبستگی، اجتماعی ۳. امنیت اجتماعی، ۴. تحکیم روابط اجتماعی، مورد بحث و بررسی قرار داده می‌شود.

کارکردهای باور به مهدویت در حوزه اجتماعی

الف) نظم اجتماعی

نظم، یکی از عوامل مؤثر در کارآیی نظام اجتماعی است. نظم در لغت، به معنای آرایش، ترتیب و توالی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵۷۸). از سوی جامعه‌شناسان، علل و عوامل مختلفی برای نظم اجتماعی مطرح شده است: آگوست کنت، برای ایجاد نظم اجتماعی به اجزای تشکیل‌دهنده نظام اجتماعی توجه ویژه‌ای داشت. «از نظر او، جامعه برای نظم، نیاز به ارزش‌های مشترکی دارد که این امر اغلب از طریق دین ایجاد می‌گردد. دین، باعث ایجاد ارزش‌های مشترک می‌شود و همبستگی اجتماعی را تسهیل می‌کند» (کوزر، ۱۳۷۳: ۳۳-۳۴).

به باور جامعه‌شناسان، جامعه برای نظم، به ارزش‌های مشترکی نیازمند است. از میان نهادهای اصلی جامعه، «نهاد دین و مذهب در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است. آگوست کنت درباره نقش دین در تولید ارزش‌ها و به تبع آن، در ایجاد نظم اجتماعی، می‌گوید: «دین، زمینه مشترکی را فراهم می‌سازد که اگر نباشد، اختلافات فردی، جامعه از هم گسیخته می‌شود. دین به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا بر تمایلات خودخواهانه‌شان فایق آیند و به خاطر عشق به هموعان‌شان، فراتر از این خودخواهی‌ها عمل کنند. دین، همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می‌دهد؛ دین، سنگ بنای سامان اجتماعی است» (همان: ۳۴). دورکیم نیز، همبستگی، انسجام و نظم را یکی از کارکردهای دین بر می‌شمرد» (اسکیدمور، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

دین، با ایجاد ارزش‌های مشترک، می‌تواند نقش مهمی در نظم اجتماعی داشته باشد. وقتی جامعه به ویژگی‌های اخلاقی مثبت و ارزشی، مزین گردد و در تربیت مردم به این امر توجه کامل شود؛ آن وقت خصائص و ویژگی‌های بارز اخلاقی؛ چون اعتماد عمومی را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه، موجب نظم‌پذیری جامعه می‌شود. بنابراین، از منظر جامعه‌شناسان، دین یکی از عوامل مهم در ایجاد نظم اجتماعی به شمار می‌رود.

حال باید بررسی کرد که اندیشه مهدویت؛ چگونه می‌تواند در تحکیم نظم اجتماعی، مؤثر باشد؟ و از چه راه‌کارهایی در این‌باره برخوردار است؟ در پاسخ پرسش یادشده، می‌توان گفت: اندیشه مهدویت، جایگاه والایی در اسلام دارد و از این جهت می‌تواند در تحکیم مبانی ارزشی و اخلاقی که موجب نظم اجتماعی می‌شوند، نقش داشته باشد و به ایجاد ارزش‌ها و ارتقای آن‌ها کمک نماید. در این رابطه، علاوه بر ویژگی‌های ارزشی و اخلاقی مورد سفارش در دین اسلام، یک سلسله از ویژگی‌های نفسانی و ارزش‌های اخلاقی را می‌توان از مجموع روایاتی که در صدد تبیین خصوصیات منتظران و جامعه منتظر و ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام هستند، برداشت نمود. با این وصف، منتظران می‌توانند ارزش‌های مشترکی که مقوم نظم اجتماعی هستند را ایجاد کنند. الگوگیری جامعه منتظر از آن ارزش‌ها و کاربری آن‌ها، می‌تواند در تحکیم و تعمیق ارزش‌ها و فضایل اخلاقی در جامعه منتظر آثار و نتایج مؤثر و مفیدی داشته باشند و به تبع آن در ایجاد نظم اجتماعی مؤثر خواهند بود. اینک به برخی از مهم‌ترین این ارزش‌ها اشاره می‌شود:

۱. ارزش‌های اخلاقی

۱-۱. علم و معرفت

بر اساس روایاتی که در صدد تبیین ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام هستند، می‌توان یکی از خصوصیات آنان را برخورداری از علم و معرفت دانست. در این دسته از روایات، علم و معرفت بالای یاران امام زمان علیه السلام، یکی از خصوصیات آنها بر شمرده شده است. از مصادیق علم و معرفت آنان، شناخت توحید است؛ چنان‌که در وصف آنان گفته شده: خداوند را به حق توحیدش عبادت می‌کنند (حائری یزدی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۱۶۵). یعنی از نظر علم و معرفت در درجات بالایی قرار دارند و از جام حکمت الهی و معرفت دینی به‌طور شایسته سیراب گشته‌اند. امام علی علیه السلام مراتب فضل و کمال علمی‌شان را چنین توصیف می‌کند: «پس (در فتنه‌های آخرالزمان) گروهی پاک، مهذب و صیقلی می‌شوند مانند: صیقل یافتن شمشیر به دست آهنگر، دیده‌های‌شان به نور قرآن، جلا داده و تفسیر قرآن گوش‌های‌شان را نوازش می‌دهد و در شامگاه و بامداد، جام‌های حکمت می‌نوشند» (فیض الاسلام، ج ۳: ۴۵۹).

۲-۱. ایمان

عمق و استحکام ایمان در استواری دل‌ها و همت‌ها مؤثر است و عدم تزلزل در مقابل ناملایمات را منجر خواهد شد. از طرفی یاران امام مهدی علیه السلام در راه هدف‌شان محکم و تزلزل‌ناپذیرند که بیان‌گر ایمان محکم آنان است. در برخی از روایات، از این ویژگی یاران آن حضرت به صراحت یاد شده و آنها به عنوان مؤمنان حقیقی مورد ستایش قرار گرفته‌اند. امام باقر علیه السلام در وصف‌شان می‌فرماید: «بدانید که آنها مؤمنان حقیقی‌اند» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۶۵). همین ویژگی سبب شده تا از آنان به عنوان موحدان واقعی که به حق توحید رسیده‌اند، یاد شود: «فهم الذین وحدوا الله تعالی حق توحیده» (حائری یزدی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۱۶۵). همچنین در روایتی از قول امام صادق علیه السلام در وصف یاران امام مهدی علیه السلام نقل شده که آنان مردانی هستند که دل‌های‌شان مانند پاره‌های آهن است؛ هیچ‌گونه تردید و تزلزلی در آن‌ها راه ندارد، در اعتقادشان به خدا از صخره و سنگ محکم‌ترند و اگر به کوه حمله‌ور شوند، آن را از جا بر می‌کنند» (مجلسی، ۱۴-۱۳ق، ج ۵۲: ۳۰۸). در برخی از روایات، به قوت جسمانی برخواسته از قوت ایمان‌شان اشاره شده است؛ مانند این روایت که می‌گوید: «دلی مستحکم‌تر از پاره‌های آهن دارند و به هر کدام از آنان، توانایی چهل نفر داده شده است» (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۳۱۰).

۳-۱. معنویت

یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام بر خورنداری‌شان از معنویت بالا است. عبادت و بندگی، شب زنده‌داری، تضرع در پیشگاه الهی، نماز و روزه، ذکر خدا، تلاوت قرآن، راز و نیاز با خدا، عدم دل‌بستگی به دنیا و اموری دیگر از این قبیل، معرف معنویت و بنیه معنوی یاران امام مهدی علیه السلام است که در روایات بدان‌ها اشاره شده است؛ چنان‌که در توصیف آنها گفته شده: «مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِهِ» (فیض‌کاشانی، ۱۳۷۱: ۲۶۵)؛ آنان در اطاعت خدا بسیار سخت‌کوشند و از این راه به درجات بالایی از معنویت می‌رسند. همچنین گفته شده: «آنان، مردانی هستند که شب‌ها نمی‌خوابند و زمزمه نماز‌شان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می‌رسد. شب‌ها را با شب زنده‌داری سپری می‌کنند؛ و در روز همانند شیر می‌غرنند» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۰۸)، و در دل شب، از خوف و خشیت

خداوند ناله‌هایی همچون ناله مادران داغ‌پسر دیده دارند. آنها شب‌زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روزند» (حائری یزدی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۱۶۵).

۴-۱. تقوا

یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام تقوا و طهارت نفسانی آنان است. آنان به جهت تهذیب و تزکیه نفس، از طهارت و تقوایی ستودنی برخوردار می‌شوند و خود را از انواع فسادها دور نگه می‌دارند. امام حسن عسکری علیه السلام با توجه به این ویژگی در وصف یاران امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند آنها را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشته؛ و پاک و پاکیزه نموده است؛ دل‌های‌شان را از آلودگی نفاق پیراسته، قلب‌های‌شان از تیرگی اختلاف پاکیزه نموده و روح و روان‌شان را برای پذیرش احکام دین آماده کرده است... آنان به آیین حق گرویده و در راه اهل حق گام بر می‌دارند» (شیخ صدوق، ۱۳۵۹، ج ۲: ۴۴۹). بنابراین، الگوگیری منتظران از خصوصیات یادشده برای یاران امام مهدی علیه السلام سبب خواهد شد تا این‌گونه ارزش‌ها در جامعه منتظر، نهادینه شوند و آثار و نتایج گران‌بهایی را در پی داشته باشند که نظم اجتماعی یکی از آثار آن به‌شمار می‌رود. گفته شد به باور جامعه‌شناسان، جامعه برای نظم به ارزش‌های مشترکی نیازمند است. از میان نهادهای اجتماعی، دین نقش مهمی در تولید ارزش‌ها و به‌تبع آن، نظم اجتماعی دارد؛ چنان‌که گفته شد اندیشه مهدیت، تبلور کامل دین اسلام است؛ بنابراین در تولید ارزش‌های گوناگون مانند ارزش‌های اخلاقی و ... دارای نقش است. با توجه به نکات یادشده می‌توان گفت: از طرفی نظم اجتماعی، مولود ارزش‌های مشترک است و ریشه در آنها دارد؛ از طرف دیگر، دین نقش اساسی در تولید ارزش‌های مشترک دارد؛ از سوی دیگر، همه ظرفیت‌های دین اسلام در اندیشه مهدویت ظهور و بروز یافته است؛ پس این اندیشه می‌تواند در تولید ارزش‌های مشترک به‌ویژه ارزش‌های اخلاقی نقش داشته باشد و با تولید ارزش‌ها در تحقق نظم اجتماعی کمک نماید.

۲. ارزش‌های اجتماعی

ارزش‌های اجتماعی، یکی دیگر از ارزش‌هایی است که در تحقق نظم اجتماعی نقش

دارند. «ارزش‌های اجتماعی، مقصود و معنای زندگی را برای اعضای جامعه تدارک می‌بیند و جوهره هر فرهنگی را تشکیل می‌دهند. ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای گوناگون را مشروعیت می‌بخشند. ماهیت ارزش‌های اجتماعی تابع عوامل فرهنگی و تاریخی است و قابل اقتباس و تقلید از سایر ملت‌ها نمی‌باشد. ... ارزش‌های اجتماعی سبب می‌شوند که زندگی پُر مفهوم و هدف‌مند باشد و به ساخت یک نگرش سازنده در زندگی کمک می‌کنند» (محسنی، ۱۳۸۱). گفته شد؛ تکیه بر ارزش‌های مشترک در تحقق نظم اجتماعی مؤثر خواهد بود. حال باید دید که در اندیشه مهدویت چه ارزش‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد که برای ایجاد نظم اجتماعی بتوان از آنها کمک گرفت؟

اندیشه مهدویت، ارزش‌های مختلف اجتماعی را در پی دارد و در واقع جوهره زندگی منتظران را تشکیل می‌دهد و آن را سامان می‌بخشد و به تبع آن، هنجارهای رفتاری مناسب را رقم می‌زند و به زندگی منتظرانه معنی و مفهوم می‌بخشد. مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی برگرفته از اندیشه مهدویت عبارتند از: الف) نیاز جامعه منتظر به رهبر و پیشوای عادل؛ ب) نقش برجسته فقها و مجتهدین به‌عنوان نواب عام در عصر غیبت؛ ج) تبیین جایگاه و وظایف جامعه منتظر؛ د) ترسیم ویژگی‌های منتظران از راه تبیین آثار فردی و اجتماعی انتظار از جهت تقویت روح امید در مردم، امیدواری به آینده؛ ه) ایجاد پیوند و همبستگی اجتماعی؛ و) ایجاد اعتماد عمومی و (ز) احساس هویت مشترک بین باورمندان به مهدویت. استقرار و حاکمیت این ارزش‌ها در جامعه منتظر، نظم اجتماعی را به‌دنبال دارد و موجب تقویت و تثبیت آن خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۳. ارزش‌های اقتصادی

ارزش‌های اقتصادی یکی دیگر از ارزش‌هایی است که در ایجاد نظم اجتماعی مؤثر است. اندیشه مهدویت، می‌تواند در ایجاد این گونه از ارزش‌ها نیز نقش داشته باشد. از مجموعه روایاتی که وضعیت اقتصادی جامعه عصر ظهور را ترسیم نموده‌اند، می‌توان دریافت که در آن عصر، اقتصاد اخلاق‌محور و ارزش‌مدار و معنویت‌گرا حاکم می‌شود و اخوت، تعاون، ایثار، قناعت و احسان در روابط اقتصادی حاکم می‌شود و در پرتو آن، نابرابری اقتصادی از بین می‌رود و درآمدهای عمومی به صورت عادلانه توزیع خواهند شد

و عدالت اقتصادی بر تمامی روابط مستقر می‌شود. با توجه به این آموزه‌های غنی، جامعه اسلامی در عصر غیبت می‌تواند آنها را الگوی خویش قرار دهد و در پرتو این ارزش‌ها، حرکت خویش را در آن مسیر تنظیم کند و به تغییر وضع معیشت مردم و سالم‌سازی روابط اقتصادی و معاملاتی برآید. حاکمیت این ارزش‌ها در جامعه، دارای آثار متنوعی است؛ یکی از آثار آن، ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج است. روایاتی که وضعیت جامعه عصر ظهور را ترسیم کرده‌اند؛ برقراری قسط و عدل را از نشانه‌های آن زمان معرفی نموده‌اند: «یملأ الارض قسطاً و عدلاً» (همان، ج ۱: ۱۳۹). بر اساس روایتی، پیامبر ﷺ به اصحابش فرمود: «به مهدی بشارتتان می‌دهم... او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و ساکنان آسمان‌ها و زمین از او خشنود خواهند شد» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۸). بر مبنای این دسته از روایات، حضرت مهدی علیه السلام از نعمت‌های مادی به‌طور مساوی استفاده خواهند کرد و بیت‌المال برای همه به‌طور یکسان مصرف خواهد شد. در روایاتی به این مطلب اشاره شده که در عصر ظهور، «اموال و امکانات به شکلی تقسیم خواهند شد که دیگر نیازمندی به زکات، دیده نخواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۹۰)؛ گرچه فعلیت کامل این ارزش‌ها در عصر ظهور و با تأسیس حکومت جهانی محقق خواهد شد؛ اما جامعه منتظر با همه کاستی‌هایی که دارد، می‌تواند این ارزش‌ها را الگوی خویش قرار داده و در حد ظرفیت وجودی خود، برای تحقق آن‌ها اقدام کند. از این‌رو، می‌توان گفت سالم‌سازی روابط اقتصادی و توجه به تقسیم مساوی منابع و درآمدها و ایجاد عدالت اقتصادی و ترسیم اقتصاد معنویت‌گرا، از آثار باور به مهدویت است که می‌تواند در جامعه منتظر تأثیرگذار باشد.

ب) انسجام و همبستگی اجتماعی

واژه انسجام^۱ نوعی هماهنگی همراه با نظم و سیاق را در ذهن متبادر می‌کند انسجام با نبود اعتماد اجتماعی، رو به زوال می‌رود. وفاق و انسجام، پایه و اساس زندگی اجتماعی است و یکی از نیازهای بنیادین جوامع انسانی محسوب می‌شود؛ «انسجام و وفاق، حاصل و نتیجه

1. Integration

مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی است که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند و این اهداف و ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات آن گروه دارد» (محرابی، ۱۳۸۷: ۲۱). انسجام، سطوح مختلفی دارد و در سطوح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطرح می‌شود. انسجام، گاه با وفاق و وحدت، یکسان دانسته می‌شود. وفاق و انسجام، سبب به هم پیوستگی آگاهانه‌تر یک گروه و همبستگی بیشتر آن می‌شود» (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۸). در نتیجه می‌توان گفت: انسجام و وفاق حاصل و نتیجه مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی است که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند و این اهداف و ارزش‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات آن گروه دارد (محرابی، ۱۳۸۷: ۲۱). عوامل مؤثر در ایجاد انسجام و وفاق را می‌توان در مناسبات فرهنگی، مذهبی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، جست‌وجو نمود و بر آنها تأکید داشت.

از نگاه جامعه‌شناسان، یکی از کارکردهای اصلی دین، ایجاد همبستگی و وفاق اجتماعی است. به اعتقاد دورکیم «اجرای مراسم مذهبی و بعد مناسکی دین نقش مهمی در تقویت همبستگی اجتماعی ایفا می‌کند. ... از نظری، تشریفات دینی هر قدر که کم‌اهمیت باشند، باز هم مردم را در مواقع مختلف به منظور انجام مناسک و مراسم دینی گرد هم جمع می‌کند؛ و از این طریق، صمیمیت بیشتری میان آنها ایجاد می‌کند و نگاه افراد از همین رهگذر به هم تغییر می‌کند» (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۹). با توجه به نقش دین در ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی از یک طرف و تبلور کامل دین اسلام در اندیشه مهدویت از طرف دیگر، می‌توان گفت باور به مهدویت به دلیل برخورداری از عناصری چون: تکیه بر باور مشترک ادیان در منجی موعود در سطح جهانی از یک سو و تکیه بر اصل مهدویت اسلامی در سطح ملل مسلمان از سویی دیگر، قادر بر ایجاد و تحکیم انسجام و همبستگی اجتماعی است و در این رابطه از راهکارهای مختلفی برخوردار است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. از راه تکیه بر باور مشترک بین‌الادیانی

در نگاه کلان، معارف اصیل و بنیادین دینی را می‌توان ارزش مشترکی دانست که پیروان ادیان مختلف به آن باور دارند. مانند: باور به وجود خداوند و ... یکی از این باورهای مشترک، باور به منجی موعود است. بر مبنای این باور، نجات‌دهنده پایانی، بر

مبنای اعتقاد یهودیان، مسیح (ماشیح) است که جهان درخشان و باشکوه آینده را می‌سازد. در کتاب اشعیا آمده است: «ای خداوند! بر ما ترحم فرما؛ زیرا که منتظر تو می‌باشیم» (راشد محصل، ۱۳۸۱: ۱۱۵-۱۲۴) و به اعتقاد مسیحیان، مسیح، آخرین نجات‌بخش است. در انجیل یوحنا آمده است: «او «مسیح» در حقیقت، مسیح و نجات‌دهنده عالم است» (همان: ۱۱۴). از دیدگاه زرتشتی‌ها، در جهانی که پس از ظهور آخرین نجات‌بخش ساخته می‌شود، همه چیز بر مبنای دین است» (همان: ۶۹) و به باور هندوها «دوره دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین و آنچه باشد، خبر دهد و از او بزرگ‌تر، کسی به دنیا نیاید» (صادقی تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۴۶). بنابراین، انتظار ظهور منجی موعود از این جهت می‌تواند ارزش مشترک میان باورمندان به منجی موعود را ترسیم کند و موجب همدلی در میان آنان می‌شود و این همدلی، عامل مؤثری در ایجاد انسجام اجتماعی خواهد بود و می‌تواند به تحقق انسجام و همبستگی اجتماعی در میان پیروان ادیان کمک نماید.

۲. از راه ایجاد هویت مشترک بین پیروان ادیان و مذاهب

به باور جامعه‌شناسان، هویت اجتماعی، احساسی است که افراد نسبت به خود دارند و شیوه‌هایی است که به واسطه آنها افراد و جماعات در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعات دیگر متمایز می‌شوند و «حاصل آن، برقراری روابط و پیوندهای هویتی و متمایز ساختن نظام‌مند شباهت و تفاوت میان افراد و جماعات است» (صالحی امیری، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۲). عوامل و عناصر مختلفی در ایجاد هویت تأثیرگذارند؛ تکیه بر ارزش‌های مشترک دینی یکی از عناصر مهم آن به‌شمار می‌رود. باور به منجی موعود (مهدویت) می‌تواند ارزش‌های مشترک در میان پیروان ادیان به‌وجود آورد. این باور موجب می‌شود تا در میان پیروان ادیان، اقوام و فرهنگ‌های گوناگون، نقطه اشتراکی ایجاد شود و گردهم‌آوردن آنها با محوریت این اعتقاد، موجب شکل‌گیری هویت جمعی آنان می‌شود. در نتیجه، باور اقوام مختلف و ملل گوناگون به منجی موعود، می‌تواند هویت مشترک در جامعه جهانی ایجاد کند و به تحقق انسجام و همبستگی اجتماعی کمک نماید.

۳. از راه تکیه بر ارزش‌های مشترک

یکی دیگر از کارکردهای باور به منجی موعود (مهدویت)، ایجاد ارزش‌های مشترک با پیروان ادیان و مذاهب مختلف است. با تکیه بر ارزش‌های مشترکی که از باور به منجی موعود (مهدویت) به دست می‌آید، می‌توان در ارائه سبک زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان از آن کمک گرفت و انسجام و همبستگی اجتماعی را تحکیم بخشید. تکیه بر ارزش‌های مشترک منجی‌باوری ادیان، از دو جهت می‌تواند در تحقق وفاق و تثبیت انسجام و همبستگی اجتماعی، نقش داشته باشد:

اول: از جهت ایجاد پیوند در میان مردم

در هر اجتماعی ارزش‌ها، بهترین عامل پیوند می‌باشند و سرمایه اجتماعی عظیمی را شکل می‌دهند. «تکیه بر ارزش‌های مشترک، می‌تواند پیوند ذهنی میان افراد را تقویت کند. بنابراین، عملاً در جوامعی که افراد دارای پیوند ذهنی با یکدیگر باشند، اصل وفاداری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به همان میزان، انسجام قوت بیشتری می‌گیرد. ارزش‌ها، بهترین عامل پیوندند... که می‌توان آن‌ها را زمینه‌ساز پیوندهای محکم بین افراد دانست» (محرابی، ۱۳۸۷: ۳۷). بنابراین، تکیه بر ارزش‌های مشترک برگرفته از باور به منجی موعود (مهدویت) موجب می‌شود تا پیوند بین افراد هر چه بیشتر مستحکم شود و با استحکام آن، انسجام و همبستگی اجتماعی شکل خواهد گرفت.

دوم: از جهت ایجاد اعتماد عمومی

اعتماد اجتماعی، مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی میان افراد با همدیگر تبلور می‌یابد. اعتماد «احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارد. بدین صورت که، هرچه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، به همان میزان روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است» (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۲: ۱۸۱). یکی از عوامل مؤثر در ایجاد اعتماد اجتماعی، تکیه بر ارزش‌های مشترک است؛ «تکیه بر ارزش‌ها و شخصیت اخلاقی می‌تواند فصل مشترکی را در میان افراد ایجاد کند و موجب شود تا اعتماد میان مردم با

همدیگر و مردم با حکومت، که رکن دیگری از انسجام است به وجود آید؛ زیرا ارزش‌ها، ریشه در اعتقادات دارند و برآیند اعتقادات‌اند و هرچه اعتقادات مردم از استحکام بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان نیز تکیه بر ارزش‌ها بیشتر خواهد بود و با تکیه بر ارزش‌ها، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌شود. چنانچه نبود اعتماد موجب می‌شود تا در وفاق اجتماعی خدشه ایجاد شود و به قول توماس برتون باتامور، نبود اعتماد به‌ویژه از نوع ارزشی و اخلاقی، روابط دوسویه را پُرسوءظن، تیره و بحران‌زا می‌گرداند» (باتامور، ۱۳۷۲: ۴۳) روشن است وقتی ارزش‌های منبعث از باور به منجی موعود، برای مردم مهم و باارزش تلقی شود، روابط اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و سبب جلب اعتماد عمومی خواهد بود و با تحقق آن، انسجام و همبستگی اجتماعی شکل خواهد گرفت.

۴. از راه ایجاد نظام هنجارهای مشترک

یکی دیگر از کارکردهای باور به منجی موعود، ایجاد هنجارهای مشترک است؛ زیرا هنجارها، برآمده از باورها و ارزش‌های مشترک است و در حقیقت «هنجارها، صورت عملی باورها و ارزش‌ها است» (نظری، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۰). بنابراین، در صورتی که مردم به منجی موعود و ارزش‌های منبعث از آن باور داشته باشند و ارزش‌های حاکم بر جامعه نیز مبتنی بر آن باشد؛ لزوماً هنجارهای حاکم بر اجتماع نیز ماهیت منجی‌باوری پیدا خواهند نمود و از این جهت، نظام هنجاری مشترک ایجاد خواهد شد و با ایجاد هنجارهای مشترک، پایه‌های انسجام و همبستگی اجتماعی نیز تقویت و مستحکم می‌شود.

۵. از راه تکیه بر باورهای مشترک مذاهب اسلامی در مهدیت

باور به منجی موعود در اسلام - که در قالب اندیشه مهدویت متجلی شده - به گونه‌ای مورد پذیرش همه مذاهب اسلامی است. در واقع اعتقاد به مهدویت ریشه در اعماق تاریخ اسلام دارد و اعتقادی اسلامی است که از سوی رسول گرامی اسلام ﷺ مورد تأکید قرار داده شده است. مؤید این سخن، روایات بسیاری است که همه فرقه و مذاهب اسلامی به‌ویژه اهل تسنن از پیامبر ﷺ در ارتباط با این عقیده نقل کرده‌اند. در منابع و متون اهل

سنت، مسأله مهدویت، مورد توجه جدی بوده و در این باره روایات زیادی در متون حدیثی آنان نقل شده است. اهل تسنن، روایات مهدویت را از افرادی مانند: معاذ بن جبل، ابوذر غفاری، عبدالله بن مسعود، عباس بن عبدالمطلب، سلمان فارسی، علی بن ابی طالب، عمار بن یاسر، ابویوب انصاری، عبدالله بن عباس، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری و... که همگی از صحابه بزرگ رسول خدا ﷺ بودند، نقل کرده‌اند. علاوه بر آن، محدثین و راویان بسیاری از اهل تسنن بر این باورند که احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام صحیح بوده و در کتب خود آن‌ها را نقل کرده‌اند. محدثینی مانند: ترمذی، بیهقی، حاکم نیشابوری، ابن اثیر، ذهبی، ابن کثیر، تفتازانی، ابن حجر عسقلانی، جلال‌الدین سیوطی، ابن حجر هیتمی و... در کتب حدیثی خودشان روایاتی را در این زمینه بیان نموده‌اند. بخاری، در باب نزول عیسی علیه السلام، از ابی هریره از قول رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «حال شما چگونه خواهد بود؛ هنگامی که فرزند مریم در میان شما فرود آید و امام شما از میان خودتان خواهد بود» (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۲۷۲). شیخ محسن عبّاد از متفکرین معاصر اهل تسنن با نوشتن دو مقاله درباره مهدویت، که در مجله الجامعة الاسلامیه به چاپ رسیده، در این زمینه می‌گوید: «برخی از احادیث می‌توانند برخی دیگر را تفسیر کنند؛ بنابراین احادیثی که در سنن و مسانید آمده، این دسته از روایات، روایات یادشده از بخاری و مسلم را تفسیر می‌کنند و همگی آن‌ها دلالت دارند مبنی بر اینکه آن فرد صالحی که در این روایات و به آن اشاره شده، او مهدی علیه السلام است».

عبدالعزیز بن باز رئیس وقت دانشگاه اسلامی مدینه منوره در یادداشت خود بر نوشته محسن عبّاد درباره حضرت مهدی علیه السلام، که در مجله آن دانشگاه به چاپ رسیده بود؛ می‌نویسد:

«احادیث درباره مهدی علیه السلام مستفیض، بلکه متواتر است؛ چنان‌چه تعدادی از عالمان گفته‌اند این احادیث در حد تواترند. این احادیث دلالت می‌کنند که آن شخص وعده داده شده، امر ثابتی است و خروجش به حق خواهد بود؛ چنان‌چه جمهور عالمان در این زمینه اتفاق نظر دارند. بنابراین، حق با آنان است که می‌گویند: مهدی علیه السلام حقیقت دارد و در آخرالزمان خروج می‌کند. به حرف برخی از افراد که برخلاف نظر اکثریت عالمان سخن گفته‌اند، وقعی نهاده نمی‌شود» (بن‌باز، ۱۳۸۸ق، ش ۳).

بنابراین، تکیه بر مشترکات مذاهب اسلامی در باور به مهدویت، را می‌توان در ایجاد هویت جمعی مسلمانان مؤثر دانست و از این جهت، می‌تواند موجب تحکیم انسجام و همبستگی اجتماعی جوامع مسلمان باشد و سبک زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مختلف مذاهب اسلامی با همدیگر را ارائه نماید.

۶. از راه باورهای مشترک شیعیان با همدیگر با تکیه بر اعتقاد به مهدویت شیعی

در اندیشه شیعی، عنصر امامت به‌ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد. در این رویکرد، باور به امامت و حضور حجت حق در همه زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به‌وجود آید. بر مبنای این بینش، وجود امام برای تمام ادوار و اعصار ضروری است؛ چه امام آشکار باشد و مردم بتوانند او را مشاهده کنند و چه از دید مردم پنهان و غایب باشد؛ امام زین‌العابدین علیه السلام در ارتباط با جایگاه و منزلت امام علیه السلام می‌فرماید:

«ما پیشوایان مسلمین و حجت‌های خداوند بر اهل عالم هستیم؛ از زمانی که خداوند حضرت آدم علیه السلام را خلق کرده، زمین هرگز خالی از حجت الهی نبوده است یا این حجت ظاهر و مشهور بوده و یا غایب و مستور و همچنین تا قیامت نیز خالی از حجت نخواهد بود» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۸۶). بر این اساس، می‌توان گفت: «عنصر امامت، عنصر اساسی هویت جمعی شیعیان امامیه به حساب می‌آید» (گودرزی، ۱۳۹۲: ۳۰۴). به باور امامیه و «در مکتب شیعی، امام، هویت‌بخش است... فرهنگ مهدویت در یک جامعه شیعی از آن روی اهمیت دارد که هویت‌بخش و کانون زندگی شیعیان است. اهمیت اصلی و کلیدی فرهنگ مهدویت را می‌توان در هویت‌بخشی به فرد و جامعه دانست» (بهروزی‌لک، ۱۳۸۸: ۶۸-۶۹)؛ زیرا ارتباط و هم‌گرایی مردم حول محور اندیشه مهدویت، موجب تقویت جامعه‌پذیری مهدوی می‌شود و جامعه‌پذیری مهدوی نیز انتقال عقاید، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مهدوی را به دنبال خواهد داشت. در پرتو انتقال این ارزش‌ها، مردم احساس هویت بیشتر خواهند نمود؛ زیرا عقاید، باورها و ارزش‌ها، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از عناصر هویتی را تشکیل می‌هند. بنابراین در اندیشه شیعی، باور به امامت و حضور حجت حق در همه

زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور، موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به وجود آید. نقش این هویت، اعطای هویت فرهنگی و دینی به جامعه شیعیان است که سبب می‌شود زندگی مسالمت‌آمیز شیعیان با همه اختلافات زبانی و قومی و نژادی، در کنار همدیگر شکل گیرد و در نهایت، به انسجام و همبستگی جوامع شیعی منجر خواهد شد.

ج) امنیت اجتماعی

واژه امنیت^۱ در زبان عربی و فارسی به معنی آسایش و ضد ترس و خوف (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۸۸ و راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۵)، سلامت، راحتی و آسایش، عافیت (نفیسی، ۱۳۴۳، ج ۱: ۳۹۶)، ایمن شدن (معین، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۵۴)، در امان بودن (دهخدا، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۸۹۴) و آسودگی (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۳۳) آمده است. در مجموع امنیت به «ایمنی و آرامش و آسودگی، اطمینان و آرامش خاطر و مصون بودن از هر گونه ناامنی، بیماری، فقر و در کل، هر عاملی که آرامش و آسودگی انسان را از بین ببرد، معنی شده است. امنیت، یکی از نیازهای اولیه جوامع بشری است؛ زیرا در سایه امنیت انسان می‌تواند به پیشرفت و تعالی دست یابد. «ایمان» نیز ریشه در این ماده دارد و به معنای قرارداد خود و دیگران در امن و امان است؛ زیرا مؤمن با قبول ایمان، خود و دیگران را در امنیت قرار می‌دهد. رسول خدا ﷺ در این باره فرمود: «مؤمن را مؤمن گویند؛ چون جان و مال مردم از او در امان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷: ۶۳). امنیت، دارای مفهوم وسیعی است و عرصه‌های مختلفی را در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی در برمی‌گیرد و اهمیت آن به حدی است که خداوند یکی از اهداف برقراری حاکمیت صالحان در زمین را تحقق امنیت معرفی کرده است (سوره نور: ۵۵). در اهمیت آن همین بس که خداوند شهری را که دارای امنیت است، به عنوان الگو و نمونه، مثال می‌زند که مردم در آن با آسایش زندگی می‌کنند. «مَثَلُ آوَرْدِ شَهْرِي رَا كِه دَر اَن اَمْنِيَتِ كَامِلِ حَكْمِ فَرْمَا بُوَد وَ اَهْلَش دَر اَسَايِش وَ اَطْمِيْنَانِ زَنْدِگِي مِي كَرْدَنْد وَ اَز هَر جَانِب، رُوْزِي فَرَاوَانِ بَه اَن هَا مِي رَسِيْد» (سوره نحل: ۱۱۲).

1. security

اصطلاح امنیت اجتماعی^۱ واژه‌ای نو پدید است و عمر کوتاهی در ادبیات علوم اجتماعی دارد. «در امنیت اجتماعی عقل، اراده و عمل جمعی انسان تأثیرگذار است» (رضایی، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

تعاریف مختلفی برای امنیت اجتماعی ذکر شده است. از جمله اینکه امنیت اجتماعی عبارت است از: «آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید، اضطراب، و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید و تعرض مفروض...؛ امنیت اجتماعی، نگران تهدیدهایی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند؛ چون اگر جامعه هویت خود را از دست بدهد، دیگر دوامی نخواهد داشت» (همان: ۱۹۰-۱۹۲). و به تعبیر باری بوزان: «امنیت اجتماعی، درباره جمع‌های بشری و هویت‌شان و کنش‌هایی که به منظور دفاع از هویت‌ها تحت عنوان «ما» صورت می‌گیرد، مربوط است» (صالحی امیری، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۸). و به تعبیر مولار: «در امنیت اجتماعی به بقای گروه‌های اجتماعی و حفظ هویت آنها توجه می‌شود» (همان: ۵۰-۵۱). و از نظر ویور: «امنیت اجتماعی، آن است که جامعه بتواند در شرایط تغییرات و تهدیدات واقعی و محتمل، ویژگی‌های خود را حفظ کند» (همان: ۵۴). در نگاه سنتی، امنیت اجتماعی در بستر حفظ و بقای زندگی مطرح می‌شود و برای آن، لازم است عواملی که آن را تهدید می‌کنند، حذف و یا حداقل کاهش یابند. در این رویکرد، هرآنچه بقای جامعه را در بعد فیزیکی و مادی تضمین می‌کند، مدنظر است که در صورت آسیب‌پذیری به‌عنوان تهدیدی برای امنیت محسوب می‌شود. برخلاف رویکرد مدرن که بر طبق آن، مفهوم امنیت اجتماعی به‌معنای احساس آرامش و اطمینان خاطر و فقدان دلهره، تشویش، اضطراب و ترس است. در این نگاه، برخورداری از عدالت، آزادی، احترام متقابل و حرمت به تنوع افکار و زندگی مورد توجه بوده و تعرض به این حوزه‌ها به‌عنوان تهدیدات امنیت اجتماعی مطرح می‌شوند» (همان: ۴۷-۴۸). ایجاد امنیت در همه ابعاد آن در دوران پیش از ظهور، دشوار و بلکه غیرممکن است. امنیت کامل در همه عرصه‌ها با ابعاد ایده‌آل و آرمانی آن، تنها در پرتو امنیت فراگیر مهدوی، در عصر ظهور محقق خواهد شد و می‌تواند الگوی مناسبی برای امنیت جامعه منتظر به حساب آید.

1. societal security

مهم‌ترین راه کارهای اندیشه مهدویت برای ایجاد امنیت و تحکیم آن در جامعه منتظر عبارتند از:

۱. تحکیم باورهای دینی به‌ویژه آموزه امامت

باورهای دینی و ایمان بدان‌ها، یکی از عوامل مهم ایجاد امنیت محسوب می‌شوند. آن‌گاه که باورهای دینی از تحکیم بیشتری برخوردار شوند و ایمان در جامعه فراگیر شود، به همان میزان نیز امنیت در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی در جامعه فراگیر خواهد شد؛ زیرا باورهای دینی و ایمان به آن‌ها، افراد را از هرگونه تجاوز و تعدی به دیگران باز می‌دارد و از این جهت است که در روایت نبوی درباره نام‌گذاری مؤمن به این نام گفته شده: «چون جان و مال مردم از او در امان است» (شیخ صدوق، ج ۲: ۵۲۳). رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سخن دیگری با تأکید بر نقش ایمان فرمودند: «تا آن‌گاه که انسان مؤمن است، نه زنا می‌کند و نه دزدی» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۸۵).

اندیشه مهدویت از دو جهت در تحکیم باورهای دینی و تقویت ایمان می‌تواند نقش داشته باشد:

اول: از جهت نقشی که امامت در تحکیم آموزه‌های دینی و تقویت عبودیت و بندگی خداوند دارد. از این جهت، می‌توان گفت: شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است. شاهد بر آن، دعایی است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است. زراره می‌گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود:

«اگر زمان غیبت را درک کردی، این دعا را بخوان: «خدایا! خودت را به من بشناسان، که اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! رسولت را به من بشناسان، که اگر رسولت را به من نشناسانی، حجت تو را نمی‌شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان، که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم» (همان، ج ۱: ۳۳۸). در این دعا، عدم شناخت حجت الهی، مساوی با گمراهی و ضلالت در دین معرفی شده است.

دوم: از جهت اعتقاد به نقش امام در زندگی انسان‌ها و نظارت دائمی امام بر آنان است. موضوع شناخت امام عصر علیه السلام و معرفت نسبت به حجت الهی و التزام به پیروی از امام زمان علیه السلام، یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی و از تکالیف مسلمانان است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

آن را اعلان نموده و بار تحمل مسئولیت آن را بر دوش همگان نهاده است. بر اساس این وظیفه شرعی و مسئولیت خطیر دینی، هر مسلمانی وظیفه دارد پس از معرفت خدای متعال و پیامبرش در مسیر معرفت و شناسایی امامت قدم گذارد و امامان خویش را به درستی و روشنی بشناسد و وظیفه خود را در برابر آنان تشخیص دهد؛ زیرا پذیرش ولایت امامان، بدون شناخت آنها غیرممکن است و پیروی کردن از آنان بدون معرفت و شناخت امکان پذیر نخواهد بود. در اهمیت این مطلب، همین بس که رسول خدا ﷺ کسانی را که امام زمان خود را نشناسند با آنان که در عصر جاهلیت می‌زیسته و بهره‌ای از توحید و معنویات نداشته‌اند، برابر دانسته و در این زمینه می‌فرماید: «کسی که بمیرد؛ در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت (یعنی مرگ در حال شرک و کفر) مرده است» (شیخ صدوق، ۱۳۵۹، ج ۲: ۴۰۹). از این قبیل روایات به خوبی استفاده می‌شود که معرفت و شناخت امام ﷺ، در عبودیت و بندگی خداوند و به دنبال آن در به دست آوردن فضایل و ارزش‌های اخلاقی نقش اساسی و تأثیرگذار دارد که با فقدان آن، حقیقت بندگی نیز لنگ خواهد شد. از طرف دیگر در روایات بسیاری بر نقش نظارتی رسول خدا ﷺ و امام بر اعمال مردم نیز تأکید شده است. در روایتی از امام صادق ﷺ نقل شده است که «اعمال مردم چه خوب و چه بدش، در هر صبح و شام بر رسول خدا ﷺ عرضه می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۱۹). ابان زیات می‌گوید به امام رضا ﷺ گفتم: برای خودم و خانواده‌ام دعا کنید. آن حضرت فرمود: «آیا تصور می‌کنید دعایتان نمی‌کنم؟ به خدا قسم اعمال شما هر روز و شب بر من عرضه می‌شود» (همان، ج ۱: ۲۱۹). باور به این مطلب موجب خواهد شد تا بر معرفت افراد افزوده شود و این امر بر عبودیت و بندگی آنان تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین، شناخت امام مهدی ﷺ به عنوان امام حقیقی، می‌تواند نقش مهمی در تحکیم باورهای دینی و تقویت و تعالی ایمان مردم در جامعه منتظر دارد و در نتیجه، به گسترش امنیت در آن جامعه کمک خواهد نمود.

۲. ایجاد و تقویت ارتباط و پیوند عاطفی در مردم

اندیشه مهدویت علاوه بر ایجاد بینش صحیح، در ایجاد ارزش‌ها نیز می‌تواند به جامعه

منتظر کمک کند؛ زیرا با تکیه بر بینش و باور به امامت، نظارت دائمی امام در زندگی فردی و اجتماعی احساس خواهد شد و با این وصف، افراد سعی خواهند کرد تا در صدد تحکیم ارزش‌ها بر آیند و قبلاً گفته شد: «در هر اجتماعی، ارزش‌ها بهترین عامل پیوند می‌باشند و سرمایه اجتماعی عظیمی را شکل می‌دهند که می‌توان آن را زمینه‌ساز پیوندهای محکم بین افراد دانست» (محرابی، ۱۳۸۷: ۳۷). از طرفی تکیه بر ارزش‌های مشترک در بین باورمندان به امام مهدی علیه السلام، می‌تواند پیوند و تعلق عاطفی در بین آنها ایجاد نماید و از طرف دیگر، هرچه اتحاد و پیوند در میان مردم بیشتر باشد، ضریب امنیتی جامعه نیز افزایش می‌یابد. در سایه تحقق انسجام اجتماعی، امنیت نیز تحقق خواهد یافت.

۳. هویت‌بخشی به منتظران

تکیه بر باور مشترک اقوام و ملل گوناگون به مهدویت و امامت، موجب می‌شود تا همه آنان با این باور مشترک گردهم جمع شوند و از این طریق، هویت واحد و مشترک پیدا کنند؛ و نقطه مشترکی در میان‌شان ایجاد شود. گردهم آوردن مردم حول محور اعتقاد به مهدویت سبب می‌شود تا هویت جمعی به آنان داده شود و هویت واحد، انسجام اجتماعی را به دنبال خواهد داشت و انسجام اجتماعی نیز از عوامل مؤثر در ایجاد و تقویت امنیت است.

۴. ایجاد اعتماد عمومی

اعتماد عمومی، از دیگر عناصر مهم در ایجاد امنیت است؛ هرچه میزان اعتماد میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی بیشتر باشد، به همان میزان روابط اجتماعی از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود و به دنبال آن، امنیت بیشتری متوجه جامعه می‌شود. در مقابل، عدم وجود اعتماد عمومی، موجب می‌شود تا تنش و ناامنی در جامعه زیاد شود. و به قول باتامور «نبود اعتماد، روابط دوسویه را پُرسوءظن، تیره و بحران‌زا می‌گرداند» (همان: ۴۳).

با عنایت به این مطلب، اندیشه مهدویت از طریق استحکام اعتقادات، شبکه‌ای از ارزش‌ها و پایبندی به قواعد اخلاقی را در میان باورمندان ایجاد می‌کند؛ قبلاً گفته شد، با

تکیه بر ارزش‌ها و پابندی به قواعد اخلاقی، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌شود و با ایجاد اعتماد عمومی، ضریب امنیت اجتماعی نیز بالا می‌رود.

۵. کنترل ناهنجاری‌ها

وجود ناهنجاری‌ها در میان مردم، یکی از عوامل مهم در ایجاد ناامنی به‌شمار می‌رود. به باور اندیشمندان اجتماعی، دین در کنترل ناهنجاری‌ها از طریق ارائه باورها و ارزش‌ها، نقش بی‌بدیلی دارد و به جامعه در کنترل ناهنجاری‌ها می‌تواند کمک نماید. نقش دین در کنترل ناهنجاری‌ها از یک سو و تجلی کامل دین اسلام در مهدویت از سوی دیگر، سبب می‌شود تا باور به مهدویت بتواند از بروز ناهنجاری و کنترل آن در جامعه منتظر نقش داشته باشد؛ زیرا مهدویت باورها و ارزش‌هایی را که با خود دارد، می‌تواند نابسامانی‌های هنجاری را بسامان و به هنجارهای دینی و مهدوی تبدیل کند و در این زمینه، مراسم و آیین‌ها و مناسک و نمادهای دینی و مذهبی مرتبط با امام زمان علیه السلام که جامعه منتظر بدان‌ها التزام دارند، می‌تواند در ایجاد هنجارهای مثبت کمک نمایند و در کنترل ناهنجاری‌ها مؤثر باشند. با کنترل ناهنجاری‌ها از میزان آنها در جامعه منتظر کاسته خواهد شد و هرچه بر میزان ناهنجاری‌ها کاسته شود، به همان میزان بر امنیت اجتماعی نیز افزوده می‌شود؛ یعنی، بین وجود ناهنجاری با فقدان امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. مهدویت قادر است بر ناهنجاری‌ها غلبه کند؛ در نتیجه، بر دامنه امنیت اجتماعی نیز افزوده خواهد شد.

د) تحکیم روابط اجتماعی

روابط اجتماعی ریشه در ذات و فطرت انسان دارد؛ انسان برای تأمین نیازهای خود مجبور است در اجتماع زندگی کند. هیچ فردی به تنهایی نمی‌تواند همه نیازمندی‌های خود را تأمین کند. تنظیم روابط اجتماعی، از مباحث مهم جامعه‌شناسی است. چارلز کولی، ارتباط را مکانیسمی می‌داند که از خلال آن روابط انسان‌ها برقرار می‌شود و بسط می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۰). فرایند ارتباط بین انسان‌ها با استفاده از نمادهایی چند صورت

می‌گیرد؛ این نمادها به هر صورت یا هر شیوه‌ای که تجلی کند، حامل پیام انسانی به انسان دیگر یا انسان‌هایی به انسان‌های دیگرند (همان: ۲۱). گرد آمدن اشخاص حول محور باور و اندیشه خاصی که به فعالیت اجتماعی مشترکی می‌پردازند و از فردیت خارج می‌شوند و به جامعه می‌پیوندند و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند را می‌توان روابط اجتماعی نامید (بن‌نبی، ۱۳۵۹: ۴۰). منشأ روابط اجتماعی، مسائل مشترکی است که مردم را با همدیگر پیوند می‌دهد؛ مانند اجتماع مسلمانان در اماکن مقدس مانند مسجد و اجتماع معتقدین به امام زمان علیه السلام در مسجد سهله و مسجد جمکران و...؛ هرچه شبکه روابط اجتماعی عمیق‌تر و محکم‌تر باشد، به همان میزان کارکرد آن مؤثرتر و ماندگارتر خواهد بود. جامعه اسلامی در پرتو اندیشه متعالی و حیانی، در ابتدای تکوین خویش توانست انسجام و وفاق را در جامعه مدینه مستحکم کند و روابط اجتماعی قوی را پایه‌ریزی نماید. دین اسلام با ایجاد رابطه روحی میان خدا و انسان، رابطه اجتماعی را تقویت می‌کند و مؤمنین را به صورت اجتماعی واحد در می‌آورد. در حدیث منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله به این واقعیت اشاره شده است: «مؤمن نسبت به مؤمن چون بناست که قسمتی از آن، قسمت دیگر را محکم می‌کند» (نهج‌الفصاحه: ۷۷۹)؛ یعنی رابطه یک مؤمن نسبت به مؤمن دیگر، مانند رابطه اجزای ساختمانی است که یکدیگر را استوار و پابرجا می‌سازند. مؤمنین یکدیگر را دعا می‌کنند و به یاری همدیگر برمی‌خیزند، با یکدیگر مواسات می‌کنند، همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در یک کلام، از چنان وفاق و انسجام برخوردار می‌شوند که هر فردی با سایر اعضای جامعه ارتباط واقعی پیدا می‌کند و با همدیگر به فعالیت مشترک دست می‌زنند و زمینه‌های انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورند. اندیشه مهدویت و به‌ویژه با رویکرد شیعی، از جهات مختلف می‌تواند در تنظیم روابط اجتماعی و تحکیم آن، نقش داشته باشد. برخی از مهم‌ترین این جهات عبارتند از:

۱. باور به ظهور منجی موعود

یکی از عوامل مؤثر در تحکیم روابط بین مردم در جامعه منتظر، باور به ظهور منجی موعود است. این باور، فصل مشترک همه ادیان به حساب می‌آید و می‌تواند همه مردم

را حول محور خود دور هم جمع کند و شبکه روابط مستحکمی را ایجاد نماید. این باور در اسلام - به‌ویژه در مذهب شیعه - در قالب اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام متجلی شده است.

۲. انتظار

در جامعه منتظر، عنصر انتظار، محور انتظام‌بخش همه مردم معتقد به مهدویت است. این امر موجب می‌گردد تا همه مردم را حول محور خود جمع کند؛ هدف و زبان مشترکی را در میان مردم به‌وجود آورد و موجب تحکیم روابط اجتماعی گردد. بنابراین، انتظار از این جهت می‌تواند در تحکیم روابط اجتماعی مؤثر باشد.

۳. بزرگداشت یاد و نام امام زمان علیه السلام

از دیگر عوامل مؤثر در تحکیم روابط اجتماعی جامعه منتظر، بزرگداشت یاد و نام امام زمان علیه السلام است. این مطلب از دو وجه در ایجاد تحکیم و تقویت شبکه روابط اجتماعی جامعه منتظر، مؤثر است:

۳-۱. حضور در اماکن منسوب به امام زمان علیه السلام

چنین حضوری، موجب می‌گردد مردم با هدف انجام عبادت در آن مکان‌های مقدس جمع شوند و با خواندن ادعیه مخصوص، به نیایش می‌پردازند و به تبع آن، روابط اجتماعی آنان با همدیگر نیز تقویت خواهد شد؛ حتی گاه در صدد برمی‌آیند از طریق تقویت روابط اجتماعی به برطرف نمودن مشکلات همدیگر نیز همت گمارند.

۳-۲. توسل‌های دسته‌جمعی به امام زمان علیه السلام و حضور در مراسم ادعیه منسوب به آن حضرت

از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد و تحکیم روابط اجتماعی در جامعه منتظر، برگزاری توسل‌های دسته‌جمعی و شرکت در مراسم و ادعیه منسوب به امام زمان علیه السلام است. این مراسم در ایجاد و تقویت شبکه روابط اجتماعی جامعه منتظر، تأثیر به‌سزایی دارد؛ زیرا حضور در این مراسم موجب می‌شود تا در میان مردم انس و الفت بیشتری به‌وجود آید و

در نتیجه، باعث می‌شود تا مردم از حال همدیگر بیشتر اطلاع یابند و در رفع مشکلات یکدیگر بکوشند. این نیز سبب تحکیم روابط اجتماعی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

عوامل مختلفی می‌توانند در توانمندسازی نظام اجتماعی نقش داشته باشند. اندیشه مهدویت در فرهنگ اسلامی از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و در حوزه‌های فردی و اجتماعی آثار و پیامدهای بسیاری دارد و در پویایی و توانمندی جامعه عصر غیبت نقش مهمی می‌تواند داشته باشد و کارکرد در این حوزه، از کارکردهای مهم این اندیشه به حساب می‌آید. مهم‌ترین کارکردهای اندیشه مهدویت در ساحت نظام اجتماعی عصر غیبت عبارتند از:

۱. کارکرد در ساحت انسجام و همبستگی اجتماعی؛ برخی از راه‌کارهای آن در این حوزه عبارت است از: الف) تکیه بر ارزش‌های مشترک؛ ب) ایجاد هویت مشترک بین پیروان ادیان و مذاهب؛ ج) تکیه بر ارزش‌های مشترک میان باورمندان به امامت و مهدویت؛ د) ایجاد نظام‌های مشترک.
۲. کارکرد در ساحت نظم اجتماعی؛ برخی از راه‌کارهای مهدویت در این حوزه عبارتند از: الف) ارزش‌های نفسانی و اخلاقی برآمده از الگوی عدالت مهدوی؛ ب) ارزش‌های اقتصادی و سالم‌سازی روابط اقتصادی؛ ج) ارزش‌های سیاسی و اجتماعی.
۳. کارکرد در ساحت امنیت اجتماعی؛ تعدادی از مهم‌ترین راهکارهای الگوی عدالت مهدوی در این حوزه عبارتند از: الف) ایجاد اتحاد و هویت واحد بین اقوام و خرده فرهنگ‌ها؛ ب) ایجاد اعتماد عمومی.
۴. کارکرد در ساحت تحکیم روابط اجتماعی، مهم‌ترین راه‌کارهای مهدویت در این حوزه عبارت است از: الف) از جهت باور به ظهور منجی موعود؛ ب) از جهت انتظار؛ ج) از جهت از جهت بزرگداشت یاد و نام امام زمان (عجل).

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، جمعی از مترجمان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷)، صحیح البخاری، بیروت: دارالنشر.
۳. بن باز، عبدالعزیز (۱۳۸۸ق)، «عقیده أهل السنة و الأثر فی المهدی المنتظر»، در مجله الجامعة الاسلامیه، ش ۳.
۴. _____ (۱۴۰۰ق)، «الردّ علی من أنکر أحادیث المهدی»، در مجله الجامعة الإسلامیة، ش ۴۵.
۵. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۸)، سیاست و مهدویت، قم: مؤسسه آینده روشن.
۶. چلبی، مسعود (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
۷. حائری یزدی، علی (۱۴۲۲ق)، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، تحقیق: علی عاشور، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۶)، لغت‌نامه، تهران: مجلس شورای ملی.
۹. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۱)، نجات‌بخشی در ادیان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. رضایی، محمدحسین (۱۳۹۱)، مبانی و مسائل امنیت اجتماعی، رویکردی ایرانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۳۹۲)، بشارات عهدین، قم: شکرانه.
۱۳. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۹۲)، امنیت اجتماعی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. _____، الامالی، تهران: نشر کتابچی.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اعلمی.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، قم: دارالمعارف الإسلامیه.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۸۸)، فرهنگ عمید، تهران: نشر فرهنگ اندیشمندان.
۱۹. فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۳۷۱)، نوادر الأخبار فی ما یتعلق بأصول الدین، تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. کوزر، آلفرد لیوئیس (۱۳۷۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۲. گودرزی، حسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲)، مهدویت و آینده پژوهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. بن‌نبی، مالک (۱۳۵۹)، شبکه روابط اجتماعی، ترجمه: جواد صالحی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۵. محرابی، علیرضا (۱۳۸۷)، بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۶. محسنی، منوچهر (۱۳۸۱)، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
۲۷. معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
۲۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الغیبه، تحقیق: فارس حسون کریم، قم: انوارالهدی.